

بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا

قاسم حیدری^۱

پرویز عامری^{*۲}

علی آل بویه^۳

چکیده

با توجه به اینکه وقوع حوادث زیان‌بار برای بشر امری اجتناب‌ناپذیر است؛ لذا همواره بشر به دنبال وضع قواعدی بوده که براساس آن مسئولیت را به شخصی تحمیل نماید که بیشترین نقش را در حادثه زیان‌بار داشته است. از این‌رو تمام رسالت مسئولیت مدنی شناسایی چنین قواعدی می‌باشد. این مقاله با هدف بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا انجام شد؛ مسئولیت مدنی یکی از اقسام مسئولیت است که در اثر ورود خسارت، در شرایطی که قرارداد و قانونی وجود نداشته باشد موضوعیت یافته و جهت جبران خسارت از مبانی و تئوری‌های حاکم در این روش استفاده می‌شود. مطابق یافته‌ها در حقوق ایران مسئولیت مدنی مبتنی بر استناد عرفی فعل زیان‌بار به شخص است. هرچند یکی از راه‌های احراز استناد عرفی فعل به عامل آن، تقصیر است ولی رکن مستقلی در مسئولیت به‌شمار نمی‌آید. در حقوق آمریکا از مبنای تقصیر جهت انتساب مسئولیت مدنی استفاده شده و از طرفی در حقوق آمریکا قائل به درجات مختلف تقصیر هستند و بر مبنای همین درجات تقصیر، میزان مسئولیت و جبران خسارت شخص مقصر محاسبه و ارزیابی می‌شود در حالی که در حقوق ایران درجه تقصیر در میزان مسئولیت مؤثر نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، تقصیر، استناد عرفی، ایران، آمریکا

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی دبی واحد امارات متحده عربی

۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

* ameri@shirazu.ac.ir

۳. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج، یاسوج، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۳۰

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره پیاپی بیست و هشتم، صص ۲۹۲-۲۶۳

مقدمه

پیشرفت فناوری و به تبع آن افزایش خسارت ناشی از زندگی جدید موجب افزایش اهمیت موضوع مسئولیت مدنی در میان موضوع‌های حقوقی شده که در نتیجه، منجر به پیدایش نظریه‌های مختلفی در این حوزه شده است. از جمله مهم‌ترین این نظریه‌ها، نظریه تقصیر به منظور جبران خسارت است. بر پایه تعریف قانونی مذکور، تقصیر دربرگیرنده تخلف از تعهد و التزام قانونی یا قراردادی و یا تجاوز یک شخص به حقوق شخصی دیگری برخلاف متعارف است و می‌توان گفت که تقصیر عبارت است از عمل خلاف حق که یک شخص نسبت به شخص دیگری انجام می‌دهد. بنابراین هرگاه شخصی در اعمال و رفتار خود احتیاط معمول و مرسوم در جامعه را رعایت نکند یا از مقررات تخلف کند و موجب زیان دیگری شود، مسئول و مقصر شناخته می‌شود و ملزم است که از عهده جبران زیان وارد شده برآید. نظریه خطر نیز بر آن است که برای تحقق مسئولیت در یک مصداق خاص، کافی است که بین یک فعل خاص و ضرر رابطه برقرار شود، بدون آنکه به احراز تقصیر نیازی باشد. نظریه‌های دیگری وجود دارد که برای مثال می‌توان از نظریه تضمین حق نام برد. این مبانی و نظریات برای درک مفهوم مسئولیت مدنی و قلمرو آن بسیار مهم است. برای تحقق مسئولیت مدنی، وجود سه عنصر ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت نیز ضرورت دارد. در این خصوص، یکی از راههای گسترش دامنه مسئولیت مدنی یافتن مبانی علمی برای این شکل از مسئولیت‌هاست؛ مبانی که با حقوق مدرن مطابقت داشته و از طرفی، مبتنی بر مبانی فقهی و نظریات پذیرفته شده از سوی فقها و حقوقدانان داخلی باشد؛ زیرا قانون بدون دارا بودن مبانی علمی، دوام و بدون سازگاری با عرف مقبولیت عمومی ندارد. نظام حقوقی آمریکا در رابطه با مسئولیت مدنی پیشرفت قابل توجهی داشته است علت این امر را نیز می‌توان تفکیک میان اقسام تقصیر دانست که این مسأله باعث شده است ارزیابی خسارت با درجه تقصیر ارتباط نزدیکی داشته باشد. اما در حقوق ایران درجات تقصیر به درستی تفکیک نشده است علاوه بر این معیار حاکم بر این نوع تقسیم بندی نیز در حقوق ایران مورد ارزیابی و چالش قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین چالش‌های مطرح در نظام حقوقی ایران که ارزیابی خسارت مسئولیت مدنی را با مشکل مواجه می‌کند

عدم وجود رویه مناسب و درستی در این رابطه است؛ این عدم وجود رویه موجب گشته است که بسیاری از چارچوب‌های حاکم بر ارزیابی خسارت معنوی با فقر تئوری مواجه گردد.

یکی از خلاء‌های تحقیقاتی، عدم وجود تحقیق کافی و مستقل در این باره بخصوص از منظر تطبیقی است. بر این اساس در این مقاله سعی شده است تا به بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا پرداخته شود.

۱. مفاهیم مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا

مسئول اسم مفعول از سأل، یسأل بر وزن منع یمنع سؤال مصدر آن می‌باشد. در آیات قرآنی واژه مسئولیت در معنای مورد بازخواست و مجازات واقع شدن به دلیل انجام یا خودداری از انجام کاری استعمال شده است، چنانکه در آیه ۳۴ سوره اسراء و ۲۳ سوره صافات کلمه مسئول با عبارت "...و افوا بالعهد ان العهد كان مسئولا" و "وقفوه انهم مسئولون" و نیز در حدیث "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة" این معنا از مسئولیت مراد بوده است.^۱ مسئولیت را مصدری جعلی از مسئول و از ریشه "سال یسال" به معنای بر عهده گرفتن، ملتزم شدن و کفیل شدن و موظف بودن به انجام دادن امری دانسته‌اند.^۲ دهخدا معانی مسئولیت داشتن را متعهد و موظف بودن و معنای مسئولیت را ضمان دانسته است.^۳ مسئولیت در لغت، به معنی پرسش، مورد سؤال واقع شدن و به مفهوم تفکیک وظیفه نیز آمده است.^۴ قانون مدنی ایران نیز علاوه بر استعمال لفظ مسئول و مسئولیت در اکثر مواقع به پیروی از فقه کلمه ضمان و ضامن را بکار برده است. مسئولیت در معنای لاتین نیز از معنای پاسخگو بودن مشتق می‌شود. بنابراین، مقصود



۱. باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۲۲.

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد سوم، تهران، نشر بهزاد، ۱۳۸۹، ص ۴۰۷۷.

۳. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، جلد ۱۲، ۱۳۸۷.

۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۱۳۸۹، ص ۹۵.

• Responsibility

∧ Response

از مسئولیت مدنی، مسئولیتی است که ناشی از خصیصه اجتماعی انسان است. در واقع مسئولیت مدنی، حقوق خطاهای مدنی و نقص قواعد حاکم بر روابط مدنی است.^۱ مسئولیت به معنای قانونی آن نیز، همان التزام شخص به تحمل حکم قهری قانون در قبال رفتاری است که از وی صادر شده است. عده‌ای از حقوقدانان ایرانی، با توجه به معنای لغوی مذکور، مسئولیت را عبارت از التزام شخص به پاسخگویی اعمال و رفتار خویش در قبال مردم دانسته‌اند که معیار تجلی آن اعمال و رفتاری است که موجب خسارت یا جنایت می‌گردد؛ هر چند که در قانون ایران هیچ گونه تعریفی از مسئولیت ارائه نشده است و به همین دلیل از طرف حقوقدانان نیز به صورت یکسان تعریف نشده است ولی همگی آن‌ها مسئولیت را به نوعی متعد و التزام دانسته‌اند. در حقوق خارجی نیز مسئولیت یک مفهوم حقوقی^۲ است که بر اساس قدرت یک طرفه و مطابق با یک قاعده حقوقی انجام یا عدم انجام امری را الزام می‌کند. همچنین آنرا، تعهد قانونی شخص به دفع ضرر دیگری که وی به وجود آورده است خواه ناشی از تقصیر خود وی باشد یا از فعالیت او ایجاد شده باشد، نیز تعریف کرده‌اند.^۳ برخی مسئولیت مدنی را عبارت از مسئولیت شخص در برابر خسارتی که آن شخص یا شیء تحت حراست وی به دیگران وارد می‌کند و همچنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات قراردادی تعریف نموده‌اند و برخی درباره مفهوم مسئولیت مدنی بر این عقیده‌اند که هر مورد که کسی موظف به جبران خسارت دیگری است، در برابر او مسئولیت مدنی دارد.^۴

در حقوق آمریکا، مسئولیت مدنی عبارت است از یک خطای مدنی، یعنی غیر از یک نقض قرارداد، که قانون برای آن راهکارهای جبران خسارت را فراهم آورده است. منشأهای مسئولیت مدنی مدرن در دادخواهی‌های جبران تعدی و تجاوز و تعدی و

۱. عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی، ۱۳۹۰، ص ۱۹

۲. دلیری، محمدصالح، حقوق جزای عمومی، جلد ۳، ۱۳۹۴، ص ۲۳

3. Liability

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۹۲، ص ۶۴۲

۵. کاتوزیان، ناصر، الزامات خارج از قرارداد، ۱۳۸۶، ص ۴۸

6. Tort

تجاوز مبتنی بر صدمه غیر مستقیم نهفته است. البته با نگاهی گذرا به تعریف این واژه در کتب علمی، مشخص می‌شود که تعریفی واحد و جامع برای آن ارائه نشده است. برای نمونه تعاریفی که از مسئولیت مدنی ارائه شده است به شرح زیر می‌باشد: مسئولیت مدنی عبارت است از نقض یک وظیفه غیر قراردادی که به طور بالقوه بر ذمه همه انسان‌ها می‌باشد و بوسیله قانون تحمیل شده است. و اکثر ادعاهای قانونی به صورت مسئولیت مدنی اقامه می‌شوند. همچنین، مسئولیت شبه جرمی یا مسئولیت مدنی، ناشی از نقض یک وظیفه یا تعهدی است که به وسیله قانون برقرار و ایجاد گردیده است. این تکلیف شامل همه اشخاص می‌شود و نقض آن منجر به طرح دعوی مطالبه خسارت از قبل تعیین نشده می‌گردد.^۱ یا؛ مسئولیت مدنی، حقوق خطاهای مدنی است. شخصی که به حقوق مورد حمایت قانونی اشخاص، لطمه‌ای وارد نماید باعث حق مطالبه خسارت برای زیان دیده می‌گردد. علاوه بر خسارات، در طیف محدودی از موارد، قانون مسئولیت مدنی رفع مزاحمت و خسارت بدون مراجعه به مراجع قانونی، برای مثال، استفاده از زور معقول و متناسب برای دفع متجاوز را جایز می‌شمارد. علاوه بر آن، در مورد یک خطای مستمر، یا حتی جایی که صرفاً بیم تهدید آسیب و زیان وجود دارد، محاکم گاهی دستور جلوگیری از ادامه یا تهدید آسیب و زیان را صادر می‌کنند. در مجموع، قانون مسئولیت مدنی تعیین می‌کند که آیا ضرر و زیانی را که برای یک شخص اتفاق می‌افتد باید یا نباید بر عهده شخص دیگری گذاشت. برخی از عواقب و نتایج صدمه یا مرگ، از قبیل هزینه‌های پزشکی متحمل شده، را می‌توان بوسیله پرداخت خسارت جبران نمود. خسارت را همچنین ممکن است، به علت فقدان امکانات بهتر برای عواقب و نتایج غیر مالی از قبیل درد پرداخت نمود.

۲. مبانی مسئولیت مدنی در نظام‌های حقوقی

۲-۱. در نظام حقوقی ایران

در این گفتار به بررسی مبانی نظری مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

^۱ Vivieune Harpwoodd, 2003

۲-۱-۱. نظریه تقصیر

طبق این نظر مباشر خسارت فقط هنگامی مسئول جبران ضرر است که مرتکب تقصیری شده باشد و خسارت هم معلول آن تقصیر باشد. وجود رابطه سببیت بین خسارت و تقصیر است که جبران خسارت را توجیه می‌کند. به این مسئولیت که مبتنی بر تقصیر است "مسئولیت درون ذاتی" گویند.^۱ طرفداران نظریه تقصیر در راستای پاسخ به این سؤال که مبنای مسئولیت عامل زیان چیست و چرا وی ملزم به جبران خسارات وارده می‌باشد؟ سعی کرده‌اند ردای اخلاقی بر قامت مسئولیت مدنی پوشانده و حقوق را هر چه بیش‌تر به اخلاق نزدیک نمایند؛^۲ لذا گفته‌اند: دلیل مسئولیت عامل زیان این است که او مرتکب تقصیر گردیده و فعل یا ترک فعل عمدی وی سبب ورود خسارت به دیگری شده است و براساس قواعد مسلم اخلاقی زیان رساننده‌ای از روی عمد، مورد مذمت و نکوهش بوده و در برابر زیان‌دیده مسئول است و باید زیان وارده بر او را جبران نماید. معیار سنجش تقصیر، در این نظریه اخلاق است. یعنی عامل زیان در صورت مقصر و مسئول تلقی می‌شود که رفتار وی اخلاقاً قابل سرزنش و نکوهش باشد. از نظر این گروه نسبت دادن مسئولیت به مقصر از دآوری‌های عقل است. عقل بشری در مورد شناسایی مسئول حوادث زیانبار، اولین عاملی را که مطرح می‌نماید، مقصر است.

در این رابطه، ریپر استاد فرانسوی در این زمینه می‌گوید: "انسان باید فعال باشد، هر فعالیت خود به خود برای او و دیگران ایجاد خطر می‌کند؛ لیکن اهمیتی ندارد، زیرا کار و جنبش قانون انسان است. ولی انسان ناپستی ناشایسته رفتار کند و زمانی ناشایسته عمل می‌کند که برای دیگری زانی به بار آورد که می‌توانسته پیش بینی کند، از آن بپرهیزد یا از آن بکاهد یا از آن بکاهد. پس باید گفت: چون بد کرده است باید آن را جبران سازد"^۳ همچنین، مازو نویسنده دیگر می‌نویسد: "عدالت و اخلاق بین خطا و صواب تفاوت می‌گذارد و بررسی رفتار مرتکب را لازم می‌بیند. بی تردید؛ انسان در گرو

۱. یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی، ۱۳۸۹، ص ۴۳.

۲. حکمت نیا، محمود، مسئولیت مدنی در فقه امامیه، ۱۳۹۱، ص ۶۲.

۳. کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، ۱۳۸۶، ص ۱۸۴.

اعمال خویش است، ولی تنها اعمال نا پسند ما را متعهد می‌سازد. تصمیم گرفتن در این باره که کاری بی تقصیر برای عامل آن مسئولیت ایجاد کند، به ندرت می‌تواند بر مبنای نفع اجتماعی توجیه شود و هیچ گاه اخلاق آن را تجویز نمی‌کند!^۱ بنابراین، تقصیر رکن اساسی مسئولیت بوده و وجود رابطه سببیت بین خسارات وارده و تقصیر ضروری است. مفهوم مخالف این نظریه این است، کسی که از روی عمد و مقصرانه زیان وارد نکند ملزم به جبران خسارت نیست؛ زیرا عادلانه نیست کسی که مرتکب تقصیر نشده بلکه اعمال مشروع وی سبب ورود زیان به دیگری شده است را، مسئول بدانیم. این نظریه که سابقه تاریخی آن به قرن ۱۳ میلادی بازمی‌گردد،^۲ در قرن ۱۸ میلادی در اروپا رواج یافت. حقوقدانان برای جلوگیری از ایجاد بی‌نظمی در جامعه، راه حل‌های زیر را برای تعدیل نظریه تقصیر ارائه نمودند:

▪ گسترش قلمرو مسئولیت قراردادی: در مسئولیت قراردادی، عدم انجام تعهد تقصیر محسوب می‌شود، مگر اینکه ثابت شود که متعهد مقصر نیست، برای این اساس حقوقدانان تلاش نمودند که قلمرو این مسئولیت را گسترش دهد و یک وظیفه عمومی برای عامل زیان تعریف نماید که تخطی از آن را نقض قرار داد و تقصیر تلقی نماید. در همین راستا برخی دادگاه‌ها برای مدتی کارفرما را مسئول صیانت از سلامت کارگران قلمداد کرده و مبنای این مسئولیت را قرارداد کار اعلام می‌کردند و بر این اساس کارفرما ملزم به پرداخت خسارات ناشی از کار، به کارگر می‌شد. هم‌چنین متصدی حمل و نقل را به طور ضمنی متعهد به حفظ سلامت مسافران و کالای ارسال شده شمردند و به استناد تعهد ایمنی ضمنی، او را مسئول خسارات وارده به مسافران و محموله‌های ارسالی می‌دانستند. حتی از این هم فراتر رفتند و متصدی حمل و نقل را در برابر بازماندگان مسافر نیز به طور ضمنی مسئول تلقی نمودند. تعهد ضمنی به نفع شخص ثالث، این تعهد ضمنی وارثان مسافر را نیز از اثبات تقصیر بی‌نیاز می‌نمود.^۳

۱. همان، ص ۱۸۴.

۲. لور راسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، ۱۳۷۵، ص ۴۱.

۳. کاتوزیان، الزامات خارج از قرارداد، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

▪ استفاده از اماره قانونی تقصیر (فرض تقصیر): راه حل دیگری که برای تعدیل نظریه تقصیر ارائه شد، اماره قانونی تقصیر بود. ارائه کنندگان این نظریه می‌گفتند باید در برخی موارد خصوصاً موارد پر خطر، فرض بر تقصیر عامل زیان گذاشته شود تا زیان‌دیده از اثبات تقصیر عامل زیان معاف گردیده و بتواند براحتی مطالبه خسارت نماید. به طور مثال در برخی قوانین، در صورتی که اشیاء یا حیوان به دیگری زیان برساند، زیان‌دیده برای مطالبه خسارت، لازم نیست تقصیر محافظ و مالک آن را اثبات کند، چون قانون وی را مقصر فرض نموده است، بلکه تنها اثبات رابطه سببیت بین زیان وارده و اشیاء یا حیوان مورد نظر برای مسئول تلقی شدن مالک و کسی که آن را در اختیار داشته، کفایت و بر عکس، فرد مزبور مکلف است برای رهایی از مسئولیت، عدم تقصیر خویش را ثابت نماید.

▪ تقصیر اجتماعی: یکی از عمده‌ترین مشکلات نظریه تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت مدنی، عدم قابلیت اثبات آن برای توده مردم است، به همین دلیل طرفداران نظریه تقصیر بر آن شدند که برای رهایی از این ایراد، مفهوم تقصیر را بازنگری کرده و اعلام کنند: مراد از تقصیر، تقصیر شخصی نیست، بلکه مراد تقصیر نوعی و اجتماعی است. بنابراین، برای تحقق تقصیر لازم نیست که عمل شخص قابل مذمت و نکوهش باشد و تقصیر هر شخص به صورت مستقل و با توجه به اوضاع و احوال روحی و پیرامونی وی مورد بررسی قرار بگیرد، بلکه به صرف این که عملی با رفتار انسان متعارف و محتاط در شرایط شرایط مشابه هم خوانی نداشته باشد، تقصیر محقق می‌شود؛ ولو عامل مزبور به سبب انجام آن عمل، قابل سرزنش و ملامت نباشد!

طرفداران این نظریه با تصرف در مفهوم تقصیر و ارائه نظریه تقصیر نوعی سعی کردند علاوه بر رفع مشکل اثباتی نظریه مزبور و معیار قراردادن رفتار انسان متعارف و محتاط، مشکل عدم مسئولیت مجانین و صغار غیر ممیز را نیز بر طرف سازند؛ زیرا در معیار نوعی، به دلیل عدم توجه به عنصر روانی برای تحقق تقصیر، قصد و عمد لازم

۱. مازو، به نقل از کاتوزیان، الزامات خارج از قرارداد، ص ۱۸۸.

نیست.^۱ در نتیجه هر عملی نامتعارف زیان‌بار، موجب مسئولیت است ولو عامل زیان، مجنون یا صغیر غیر ممیز باشد.

در یک جمع‌بندی مطابق دیدگاه پیروان این نظریه، کسی را باید مسئول شناخت که از نظر اخلاقی نسبت به کاری که انجام داده است قابل ملامت باشد. بر طبق این نظر، مسئولیت یک مفهوم اخلاقی است. هر کس باید در گرو خطاهای خود باشد و به طور نوعی نمی‌توان در این باره داوری کرد. در احراز تقصیر، زیان دیده نقش مدعی را دارد و باید دلایل اثبات آن را بیاورد، اصولاً در مسئولیت‌های قراردادی اثبات عدم انجام تعهد برای این منظور کافی است و متعهد در صورتی از مسئولیت معاف می‌شود که ثابت کند قوای قاهره او را از اجرای قرارداد بازداشته است. ولی در مسئولیت‌های قهری تقصیر همیشه بر خلاف اصل است و نیاز به اثبات دارد و زیان دیده "مدعی" محسوب می‌شود.^۲

۲۷۱



بررسی تطبیقی
مبانی مسئولیت
مدنی در حقوق
ایران و آمریکا

۲-۱-۲. نظریه خطر

این نظریه تلاش می‌نماید تا تقصیر را از زمره ارکان ایجاد مسئولیت کنار بگذارد و صرف ایجاد زیان را برای مسئولیت کافی تلقی نماید. طرفداران این نظریه در پاسخ به این سؤال که چرا و بر چه اساسی عامل زیان ملزم به جبران خسارات وارده به غیر می‌باشد و توجیه‌گر این مسئولیت چیست؟ چرا زیان‌دیده نباید زیان را تحمل نماید؟ می‌گویند: چون مقتضای عدالت و انصاف این است که هر کس خطرات و آثار زیان‌بار ناشی از عمل خویش را، خود به عهده بگیرد و منصفانه نیست که زیان‌دیده خسارات ناشی از عمل غیر را تحمل نماید.^۳ براساس این نظریه، برای تحقق مسئولیت مدنی وجود تقصیر لازم نیست. بلکه هر کسی کاری انجام بدهد که در اثر آن به دیگری خسارت وارد شود، مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود ولو تقصیر هم نداشته باشد، طرفداران نظریه خطر معتقدند برای مسئول تلقی شدن عامل زیان، اثبات تقصیر

۱. باریکلو، پیشین، ص ۵۰.

۲. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ۱۳۹۵، صص ۲۱-۲۲.

۳. حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، ۱۳۸۹، ص ۲۲.

لازم نیست، بلکه صرف وجود رابطه علیت بین عمل زیان‌بار و خسارت وارده برای تحقق مسئولیت کافی است. نظریه خطر ریشه در مکتب تحقیقی ایتالیا و نظریه "فری" دارد.^۱ سالی،^۲ یکی از بنیان‌گذاران نظریه خطر معتقد است: رابطه‌ای مسئولیت مدنی رابطه‌ای بین دو دارایی است نه رابطه بین دو شخص و جبران خسارت در مسئولیت مدنی مجازات نیست تا ارتباط با عوامل روانی و باطنی داشته و وجود تقصیر در آن مؤثر باشد، بلکه انتقال مالی از یک دارایی به دارایی دیگر است (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۷). مهم‌ترین فایده این نظریه این است که با حذف تقصیر از ارکان مسئولیت، قلمرو مسئولیت مدنی گسترش پیدا می‌کند و دعاوی جبران خسارت آسان‌تر به نتیجه می‌رسد، زیرا زیان دیده کافی است که بین زیان و عامل زیان رابطه علیت را اثبات کند و نیاز به اثبات تقصیر نمی‌باشد. سرانجام انتقادات شدید طرفداران نظریه تقصیر طرفداران نظریه خطر را وادار به تعدیل نظریه مزبور کرده و موجب شد که آن‌ها ضوابط و معیارهای نظریه خطر را بازنگری و در آن تجدید نظر نموده و چند نظریه جدید را مطرح نمایند که به اختصار مرور می‌کنیم:

▪ نظریه خطر در برابر انتفاع مادی: طرفداران این نظریه چون عدم تمایز بین عمل ناشی از تقصیر و عمل ناشی از غیر تقصیر در ایجاد مسئولیت را ناموجه و غیر اخلاقی دیدند، سعی کردند با قراردادادن مسئولیت در برابر انتفاع چهره اخلاقی آن را حفظ کنند.^۳ بر این اساس، اعلام کردند هر کس از انجام کاری سود می‌برد باید خسارات ناشی از آن را نیز تحمل کند. بنابراین، هر فعالیتی موجب مسئولیت نیست، بلکه تنها فعالیت‌های مسئولیت‌ساز است که انجام دهنده آن از عمل خویش انتفاع مادی برده باشد.^۴ ولی از آن‌جا که همه فعالیت‌های انسان به منظور انتفاع مادی صورت نمی‌گیرد، و گاهی ممکن است در انجام عمل زیان‌بار هیچ سودی مادی متصور نبوده و عمل مزبور صرفاً به منظور انتفاع معنوی انجام شده باشد، در این صورت، چون عامل زیان از عمل

۱. کاتوزیان، الزامات خارج از قرارداد، ص ۱۹۸.

۲. Saleilles

۳. کاتوزیان، پیشین، ص ۲۰۷.

۴. حکمت‌نیا، پیشین، صص ۷۵ - ۷۶.

خویش هیچ گونه سودی مادی نبرده است، براساس نظریه "خطر در برابر انتفاع مادی"، فاقد هر گونه مسئولیت مدنی خواهد بود.^۱ بنابراین، برخی از خسارات جبران ناشده باقی خواهد ماند. این امر موجب شد که عده‌ای دیگر در صدد تکمیل و رفع نواقص این نظریه برآمده و نظریه دیگری تحت عنوان نظریه "خطرهای ایجاد شده" را مطرح کنند.

▪ نظریه خطرهای ایجاد شده: براساس این نظریه عامل زیان مسئول جبران خسارات ناشی از عمل خویش است، اعم از این که از عمل مزبور سود مادی برده باشد یا سود معنوی. بنابراین، بر مبنای این نظریه انتفاع اعم است از انتفاع مادی و معنوی و هر کس به هر نحوی از عمل زیان‌بار خویش منتفع شده باشد باید خسارات ناشی از آن را نیز جبران نماید.^۲ این نظریه نیز با این انتقادات مواجه است که "هرکس عملی انجام می‌دهد در انجام آن الزاماً نفعی دارد، لذا این معیار ادعایی یک معیار واقعی نیست"^۳ به علاوه، توسعه قلمرو مسئولیت تا این میزان و مسئول دانستن افراد در قبال هرگونه انتفاع مادی یا معنوی، موجب ترس از انجام فعالیت‌های سازنده، ثمر بخش و ابتکاری شده و سبب رکود و سکون در جامعه خواهد شد. از طرفی دیگر، چرا فعالیت‌های زیان‌دیده و منافع او در نظر گرفته نشده و مواردی که او نیز از فعالیت خود سود مادی یا معنوی می‌برد، مورد توجه قرار نگرفته است. مثلاً عابر پیاده که اقدام به عبور از سرک می‌نماید از این اقدام خود سود می‌برد و راننده که از این سرک در حال عبور است نیز سود می‌برد، چرا سود عابر در نظر گرفته نمی‌شود، اما تمام خسارت به راننده به عنوان برنده سود تحمیل می‌شود.^۴ این انتقادات باعث شد که برخی دیگر به منظور رهایی از اشکالات فوق، نظریه "خطر نامتعارف" را مطرح نمایند.

▪ نظریه خطر نامتعارف: طرفداران این نظریه، چون حذف تقصیر و نادیده گرفتن اخلاق در مبنای مسئولیت مدنی را، ناموجه و غیر منطقی تلقی کردند، می‌خواستند نامتعارف بودن عمل را جایگزین تقصیر کرده و بدین طریق مسئولیت مبتنی بر خطر را

۱. باریکلو، پیشین، صص ۴۸ - ۴۷.

۲. لور راسا، میشل، پیشین، ص ۴۴.

۳. همان، ص ۴۴.

۴. قاسم زاده، سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، ۱۳۹۵، ص ۳۱۹.

امری اخلاقی جلوه دهند.^۱ به همین دلیل اعلام کردند: خطر و زبانی که فعالیت‌های افراد برای دیگران ایجاد می‌کند فقط در صورتی که از منظر عرف، غیر عادی و نامتعارف تلقی شود، ایجاد مسئولیت می‌کند. بر همین اساس، عمل زیان‌بار را به دو دسته متعارف و غیرمتعارف تقسیم نموده گفتند: عملی متعارف ولو به دیگران زیان برساند مسئولیتی ببار نمی‌آورد، ولی عمل غیرمتعارف مطلقاً مسئولیت ساز بوده و اعم از این که از روی عمد و مقصرانه واقع شده باشد یا این که تقصیری در کار نباشد، ایجاد مسئولیت کرده و عامل زیان ملزم به جبران آن می‌باشد.^۲ در حقیقت براساس این نظریه زیان دیده باید دو چیز را اثبات کند، یکی ورود ضرر بر اثر عمل شخص مقابل و دیگری غیر متعارف بودن عمل عامل زیان را نیز باید اثبات کند. بر این نظریه نیز انتقاد شده و گفته شده است که نظریه مزبور در عمل فرقی با نظریه تقصیر ندارد؛ زیرا برای بررسی این که آیا عمل زیان‌بار، نامتعارف بوده است یا خیر، باید عمل مزبور با رفتار یک فرد متعارف و محتاط سنجیده شود، این همان بررسی عنصر تقصیر است که آیا عمل زیان‌بار توأم با تقصیر بوده است یا خیر.^۳

در یک جمع‌بندی اینکه، از نظر تاریخی مسئولیت بدون تقصیر مقدم بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر بوده است. در آغاز برای جبران خسارت صرف رابطه علیت بین ضرر و عمل شخص کافی بود. مسئولیت مبتنی بر تقصیر بعداً هویدا شد. با انقلاب صنعتی و پیدایش ماشین بخار و سایر اختراعات در قرن ۱۹ جهان شاهد حوادثی شد که چه از نظر کیفیت و چه از نظر تنوع و فزونی بدون سابقه بود؛ در اواخر قرن ۱۹ دو نیروی بخار و برق حوادث زندگی را متنوع ساخت. در تمامی حوادثی که بر اثر صنعت و تکنولوژی جدید پیش می‌آمد اصل تقصیر که بنیان مسئولیت مدنی بود مانع از جبران خسارت می‌شد زیرا گاه در ورود ضرر تقصیر نقشی نداشت یا اثبات آن دشوار بود به این ترتیب مبنای مسئولیت مدنی که تقصیر بود سست شده و نظریه

۱. کاتوزیان، الزامات خارج از قرارداد، ص ۲۰۴.

۲. حکمت‌نیا، پیشین، ص ۷۶.

۳. قاسم زاده، پیشین، ص ۳۲۰.

۴. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، ص ۱۹۵.

جدیدی به نام "نظریه خطر" پدید آمد که به آن "مسئولیت برون ذاتی یا تسبیب" نیز گویند.^۱ در واقع به موجب این نظریه هر کس به فعالیتی بپردازد محیط خطرناکی برای دیگران به وجود می‌آورد و کسی که از این محیط نفع می‌برد باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند. بنابراین در اینجا مبنای مسئولیت مدنی مکافات تقصیر نیست بلکه عوض سودی است که شخص از فراهم آوردن محیط خطرناک می‌برد. در مواردی که شخص به فعالیت مشروعی دست زده و بی آن که تقصیری کرده باشد به کسی خسارت زده است زیان دیده و او هر دو بی گناه هستند خساراتی که به بار آمده است باید به یکی از آن دو تحمیل شود. اتفاق زیان دیده را برگزیده است ولی حقوق باید این بی عدالتی را جبران کند زیرا کسی که به فعالیتی پرداخته تا از آن سود ببرد از کسی که هیچ نکرده و نفعی نبرده است برای تحمل ضرر شایسته‌تر است. به علاوه با حذف تقصیر از زمره ارکان مسئولیت مدنی دعاوی جبران خسارت آسان‌تر به مقصود می‌رسد و زیان دیده از اشکال راجع به اثبات تقصیر معاف می‌شود.^۲ در مجموع اینکه، به موجب این نظریه هر کس به فعالیتی بپردازد محیط خطرناکی برای دیگران به وجود می‌آورد و کسی که از این محیط منتفع می‌شود باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند.

۲-۱-۳. نظریه مختلط

همان گونه که نظریه تقصیر از حیث جبران ضرر ممکن است مشکلاتی را برای متضررین داشته باشد پذیرش، مطلق نظریه خطر نیز مشکلاتی را برای صاحبان صنایع و حرف خواهد داشت. پس بعضی گفته‌اند عمل نامتعارف مبنای مسئولیت است. طبق نظریه فوق فعل نامتعارف جانشین تقصیر است. برای تحدید نظریه خطر نیازی به کاربرد تقصیر نیست. کار در حد عرف مسئولیت ندارد ولو مضر به حال دیگران باشد اما اگر کار خارج از حد عرفی و معمول باشد مسئولیت آور است و به

۱. یزدانیا، پیشین، ص ۴۳

۲. کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی، صص ۲۳-۲۴

صرف داشتن حق موجب معافیت عامل نمی‌شود.^۱ البته این نظریه به نوعی برگردان نظریه تقصیر است. چون تقصیر در مفهوم نوعی آن نیز یعنی تجاوز از حدود متعارف.

۲-۱-۴. نظریه تضمین حق

این نظریه بر این باور استوار است، که نظریه تقصیر و ایجاد خطر به ارزیابی رفتار عامل زیان پرداخته و از هدف اصلی مسئولیت مدنی که جبران خسارت زیان دیده می‌باشد، غافل مانده است. این نظریه بیان می‌دارد: هر کس از افراد جامعه حق دارد، که در جامعه‌ای سالم و در امنیت کامل زندگی کند و از اموالش استفاده نماید. دیگران نیز باید به این حقوق احترام بگذارند. قانون نیز از آن حمایت خواهد کرد و در نتیجه اگر حقی از بین رود، باید به وسیله عامل از بین برنده^۲ حق، جبران شود. بنیان‌گذار این نظریه فردی است به نام "بوریس استارک"^۳ وی در صدد است، که تمام موارد مسئولیت مدنی را بر مبنای تضمین قانون‌گذار مبنی بر حفظ و حمایت از حقوق اشخاص در جامعه توجیه نموده و بدون توجه به این‌که عامل زیان به صرف ایجاد خطر یا داشتن تقصیر مسئولیت دارد؟ یا خیر؟ این مسئولیت را لازمه اراده قانون‌گذار در حمایت از حقوق افراد اجتماع می‌داند. البته این نظریه در مواردی مثل غصب و سلطه^۴ غیرقانونی بر مال غیر و اتلاف مطابق با واقع است. ولی اشکال اساسی زمانی است، که شخص در مقام اجرای متعارف حق خویش موجب زیان دیگری می‌شود. به بیان دیگر مشکل آن است، که دو حق با یکدیگر تراحم داشته و دلیلی بر ترجیح هیچ‌یک وجود ندارد. برای رهایی از این اشکال استارک حقوق را به دو گروه تقسیم کرده و در گروه اول که شامل حق فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی و... است جز در صورت تقصیر در اعمال حق عامل زیان را مسئول نمی‌شناسد. ولی در گروه دوم که شامل حق حیات و تمامیت جسمی و مالکیت است، در هر حال عامل زیان را مسئول می‌داند. و این به آن معنی است، که اجرای حق ضمان‌آور است. این نظر از جهتی با یکی از مبانی مسئولیت مدنی در حقوق اسلام یعنی قاعده لاضرر، شباهت دارد. به این ترتیب که در حقوق اسلامی بدون تردید

۱. یزدانیان، پیشین، ص ۴۵.

۲. بهرامی‌احمدی، حمید، جزوه درس مسئولیت مدنی، ۱۳۸۵، ص ۳۷

ضرر امری نفی شده است، اما در برخی شرایط حقوقی نیز برای بعضی افراد پیش‌بینی شده که در آن می‌توان به گونه‌ای ریشه‌هایی از ضرر را مانند حق طلاق برای مرد، جست‌وجو نمود. اعمال این حقوق زمانی می‌تواند، ضمان‌آور باشد، که به قصد "اضرار" اعمال شود. بنابراین در جمبعیندی می‌توان گفت، طبق این نظریه حق مسلم افراد انسانی است که در جامعه سالم و ایمن زندگی کنند این حق را قانون حمایت کرده است و ضمانت اجرای آن همان است که ما مسئولیت مدنی می‌دانیم.^۱

۲-۱-۵. نظریه انتساب اضرار

در قانون مدنی ایران مبنای مسئولیت مدنی صرفاً انتساب اضرار به فاعل فعل ضرری است خواه عمد یا بی‌احتیاطی و غفلت از او سر زده باشد یا خیر.^۲ بنابراین طبق این نظریه به محض این که شخص عملی را انجام داد که عملاً نسبت اضرار به او ممکن‌الانتساب باشد شخص مذکور مسئول خواهد بود ولو این که عمل وی ارادی نباشد. مثلاً اگر کسی ناگهان دچار صرع شود و ظرف چینی را خرد نماید، باید جبران خسارت کند. طبق این نظریه صغیر و مجنون هم مسئولیت دارند. بعضی این نظریه را یک نوع تئوری ریسک دانسته‌اند که به معنی محدودتری به کار رفته است البته اگر عملی با واسطه به شخص منسوب شود احراز نوعی غفلت یا بی‌احتیاطی لازم است.^۳

امام صادق (ع) در روایتی فرموده‌اند: «من اضر بشی من طریق المسلمین فهو له ضامن» یعنی هر کسی به مسلمین ضرری وارد نماید، مسئول و ضامن جبران آن است. با توجه به اینکه عبارت «من اضر» به صورت مطلق آمده و مقید به تقصیر نشده، می‌توان نتیجه گرفت که اگر فعل زیانباری عرفاً به شخصی استناد داشته باشد، او مسئول جبران ضرر وارده است. هر چند عرف تقصیر را در احراز استناد عرفی فعل به شخص

۱. یزدانیان، پیشین، ص ۴۷

۲. دکتر جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، تاریخ حقوق ایران، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۲۹۹.

۴. معزی ملایری، شیخ اسماعیل، جامع احادیث الشیعه فی احکام شریعه، چاپ اول، قم، ۱۳۷۳

مؤثر می‌داند و یکی از راههای احراز استناد عرفی فعل به عامل آن، تقصیر است ولی این به آن معنا نیست که تقصیر رکن مستقلی در مسئولیت باشد. اگر در برخی از مواد راجع به تسبیب از تقصیر سخن به میان آمده است این از باب احراز رابطه^۱ سببیت است نه اینکه در تسبیب تقصیر مبنا و رکن مسئولیت باشد، چه بسا برای احراز رابطه^۲ سببیت یا استناد عرفی ضرر به خواننده^۳ دعوی، تقصیر او را ملحوظ می‌دارند.^۴ بنابراین در تسبیب نیز عنصر تقصیر نقشی ندارد بلکه آنچه شرط است اثبات رابطه سببیت عرفی بین فعل مسبب و ضرر وارده است. ماده ۳۳۱ قانون مدنی که در مقام بیان مسئولیت ناشی از تسبیب است ذکری از تقصیر به میان نیاورده است و در مواد ۳۳۳ لغایت ۳۳۵ قانون مذکور نیز که کلمه تقصیر به کار رفته است صرفاً از جهت احراز رابطه سببیت است نه این که تقصیر مبنای مسئولیت باشد مثلاً در تصادم دو وسیله نقلیه اگر راننده یکی مقصر و دیگری بدون تقصیر باشد عرف ضرر وارده را به راننده مقصر نسبت می‌دهد (ماده ۳۳۵ قانون مدنی). این موضوع در قانون مجازات اسلامی نیز صریحاً مورد توجه قرار گرفته است مانند اینکه در تبصره ۱ ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است «در موارد فوق هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تاثیری در حادثه نداشته باشد به گونه‌ای که تقصیر مرتکب علت جنایت حاصله نباشد راننده ضامن نیست» یا در ماده ۵۲۹ همان قانون آمده است: «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.» بنابراین آنچه همواره مورد توجه است، رابطه عرفی بین فعل و ضرر وارده است.

۲-۲. در نظام حقوقی آمریکا

در رابطه با مبانی نظری مسئولیت مدنی در نظام حقوقی آمریکا بایستی ابتدا به اصل جبران خسارت اشاره کرد. ارزش اصول جبران خسارت، با تاکید بر جبران خسارت در مسئولیت مدنی آمریکا، نسبی و تابع برداشتهای اجتماعی از عدالت است؛^۵ در پاره‌ای از

۱. دکتر صفایی، سیدحسین، الزامات خارج از قرارداد، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۹، ص ۸۲

۲ Prosser And Keet, on Torts

۳ Moore, 1998, P 109

زمینه‌ها مصلحت در این است که "اصل تقصیر" حکومت کند و در پاره دیگر "مسئولیت محض" و در بعض موارد هم عدالت اقتضا دارد که پرداخت خسارت را دولت به عهده گیرد و برای تأمین رفاه و آسایش زیان دیده به او بپردازد، یعنی، با افزودن بر هزینه‌های عمومی، زمینه توزیع همگانی جبران خسارت را فراهم سازد. درباره مفهوم تقصیر نیز روش تجربی دادگاه‌ها و اندیشمندان حقوقی آشکار می‌کند که، تقصیر چهره شخصی ندارد و در کار قابل سرزنش اخلاقی خلاصه نمی‌شود. مقصر کسی نیست که به کار غیراخلاقی دست می‌زند؛ کسی است که به کار مفید اجتماعی نمی‌پردازد و فعالیت اقتصادی او زیانبار است.^۱ به بیان دیگر، معیار شناخت کار ضمان‌آور سود و زیان اجتماعی آن است. در انتها باید دید به عنوان مثال، اگر در قانون آمده باشد که شخص مسئول خطاهای خویش است (اصل تقصیر)، آیا این کلام چنین معنا می‌دهد که "هر جا خطایی نباشد، مسئولیتی هم نیست"، یا در جمع قواعد مزاحم باید از این استنباط گذشت. در ادامه به بررسی این مطالب پرداخته می‌شود.

ما در عصر حکومت علم و تجربه زندگی می‌کنیم؛ عصری که در آن سلطه منطق صوری بر عقل از رونق افتاده و به جای آن مشاهده و تجربه و استقراء نشسته است. حقوق نیز از مظاهر این عصر است و باید نشانه‌هایی از زندگی بر مبنای علم را داشته باشد. هر نظام حقوقی در پی آن است که شیوه‌های گوناگونی برای جبران خسارت تمهید کند و به نظم یگانه‌ای پایبند نشود. نظریه‌ها و رویه‌ها برای پاسخگویی به نیازهای گوناگون به وجود می‌آید: به عنوان مثال، صدمه‌های وارد به کارگران ممکن است با خساراتی که در رانندگی ایجاد می‌شود متفاوت باشد و هر کدام نظم ویژه‌ای را ایجاب کند یا زیان‌های ناشی از خوراکی‌ها و داروها به گونه‌ای دیگر جبران شود و تمام شیوه‌ها نیز در همان زمان و مکان جزء یک نظام حقوقی باشد. با وجود این، پاره‌ای از اصول کلیدی جبران خسارت می‌تواند بیان‌کننده غالب نظام‌های حقوقی باشد. سه فکر کلیدی

^۱ Darrell, 2013, P 9

برجسته پایه تمام قواعد و رویه‌های مربوط به جبران خسارت است: ۱) اصل تقصیر؛
 ۲) اصل مسؤولیت محض؛^۲ و ۳) اصل رفاه و خیر^۳ که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. اصل تقصیر

بر پایه این مبدأ فکری، هر خسارت جبران‌پذیر است، مگر اینکه ناشی از رفتاری باشد که هدف آن در دید نظام حقوقی، حفظ منافع ارزشمندتر از آن ضرر باشد.^۴ پایه این داوری اصل تقصیر است؛ بدین معنی که، هر رفتار که سبب خسارت عمدی به دیگری بشود، قابل نکوهش است، مگر این که سایر منافع که به بار می‌آورد بر ضرر وارد آمده چیره باشد و آن را توجیه کند. پس، هنگامی که رفتار قابل نکوهش سبب ورود خسارت به دیگران می‌شود، مرتکب آن باید خسارت را جبران کند. به همین قیاس، خسارات غیرعمدی نیز بطور معمول قابل جبران است، مشروط بر این که ناشی از رفتاری خطرناک و ناروا باشد، مقصود از رفتار خطرناک و ناروا خطرهایی است که همراه با پیامدهای آن، بر فایده رفتار سبب ورود زیان چیره باشد. رفتاری از این گونه، از نظر اجتماعی نامطلوب است و بایستی در زمره اعمال سزاوار سرزنش بیاید.

اصل تقصیر تنها درباره رفتاری اعمال می‌شود که ضد اجتماعی^۵ باشد، بدین معنی که، هزینه‌ها و ضررهایش از منافع آن بیشتر باشد. در حقوق آمریکا، سنجش منافع و زیان‌های رفتار بطور معمول در مورد خسارت‌های عمدی و نظریه‌های توجیه کننده، مانند دفاع شخصی و دفاع از مالکیت و ضرروتهای عمومی، انجام می‌گیرد. درباره اضرار به غیر عمد^۶ سنجش سود و زیان به این منظور است که چه رفتاری بی‌مبالاتی و تقصیر^۷ است.^۸ در هر دو دعوی، رفتاری که منافع آن بر زیان‌هایش بچرید، سزاوار

^۱ The Fault Principle

^۲ The Strict Accountability Principle

^۳ The Welfare Principle

^۴ Larry Et Al, 2011, P 379

^۵ Antisocial

^۶ Unintended Harms

^۷ Negligent

^۸ Bernstein, 1998, P 117

نکوهش نیست. در سنجش و مقایسه زیان‌ها و منافع، نتیجه محاسبه بستگی کامل به ارزش‌هایی دارد که به منافع دو سوی مقایسه داده می‌شود. به همین جهت، نتیجه‌های به دست آمده ممکن است در نظام‌های حقوقی مختلف، به دلیل اختلاف در ارزشیابی منافع، یکسان نباشد، هر چند که در آن‌ها اصل تقصیر بر پایه مقایسه سود و زیان باشد. شاید بهترین توجیهی که برای اصل تقصیر گفته شده است این باشد که، به عقیده اکثریت و اعتقاد عمومی، منصفانه است هر کس ضامن خطاهای خود باشد. بطور خلاصه، توجیه نظریه بر مبنای ارزش‌های قابل شناخت در نظر عموم انجام می‌پذیرد.

۲۸۱

۲-۲-۲. اصل مسئولیت محض

در موردی که تقصیری وجود ندارد-یعنی در فرضی که منافع رفتار مورد نظر بیش از زیان آن است و به همین دلیل منافع اجتماعی تشویق آن را ایجاب می‌کند-ممکن است رفتاری زیانبار باشد. پس، این پرسش مطرح می‌شود که آیا چنین زیانی باید جبران شود؟ و اگر پاسخ مثبت باشد، چه کسی باید آن را جبران کند. اگر پاسخ این باشد که، جبران خسارت باید به وسیله کسی انجام شود که رفتار او سبب تام یا یکی از اسباب ورود ضرر شده است، مبنای آن نظریه‌ای است که "اصل مسئولیت محض" نامیده می‌شود.

در حقوق آمریکا، پاره‌ای از نمونه‌های مسئولیت بدون تقصیر محصول آراء قضایی در موضوع‌های پراکنده است، مانند ضمان ناشی از نگاهداری حیوانات وحشی، ضمان مالکان و ضمان محض ناشی از فرآورده‌های صنعتی. بعضس مثال‌های دیگر نتیجه قانون است، مانند ضمان ناشی از محصولات غذایی که بر نظریه عمومی ضمان محض ناشی از فرآورده‌ها، از حیث تاریخ، مقدم است. از یک دیدگاه، ممکن است هر یک از این مثال‌های پراکنده مستقل تلقی شود و از آن نتیجه بگیرند که در حقوق آمریکا

۱ In Short, The Justification Is An Assertion Of Commonly Shared Values,An Appeal To Others To Agree That,In Their Expenience,The Values Implicit In The Fault Principle Deserve Recognition.

۲ Rylands V.Fletcher



نظریه‌ای هماهنگ برای ضمان محض^۱ وجود ندارد و تنها مجموعه‌ای از نظریه‌های مستقل و پراکنده در این باره است.^۲ ولی، مفهوم پیشنهاد "اصل مسؤلیت محض" این است که در همه مثال‌ها مبنای مشترکی وجود دارد که، بدون توجه به تقصیر مرتکب، کار زیانبار را مسؤول خسارات ناشی از کار خود قرار می‌دهد. این دو دیدگاه پایه اختلاف نظریه‌پردازان حقوق در این باره است که آیا در این گونه نظام‌های حقوقی دارای "حقوق خطا"^۳ هستند یا حاوی حقوق خطاهای می‌باشند و پیرو اصل هادی و مشترکی در این زمینه نیستند. در بحث پیش رو، تنها بخشی از واقعیت آشکار می‌شود ولی بخشی که شایسته تأمل است.

ترکیب "مسؤلیت محض" نمودار خلاصه شده از فکری است که تفصیل بلیغ‌تر آن چنین می‌شود: "مسؤلیت محض برای خسارات ناشی از خطرهای ویژه رفتار یا فعالیت شخص". اصل پیشنهاد شده کلید فکری است که زیربنا و مبنای مسؤلیت‌های محض و بدون تقصیر است و چنین خلاصه می‌شود که: "هر کس مسؤول خسارت‌ها و خطرهای است که از رفتار و فعالیت‌های او ایجاد شده است"^۴.

نتایج اجرای این اصل بستگی زیاد به تصمیم‌های قضایی دارد که در دعاوی طرح شده مسؤولیت را، بر پایه خطرهایی که از دو فعالیت ناشی شده است، به این یا آن فعالیت نسبت می‌دهد. در بسیاری از دعاوی، که در آن‌ها اصل مسؤولیت محض به عنوان پایه تصمیم اعلام شده است، در توجیه حکم به تراضی^۵ استناد شده است تا خطری را به فعالیت خاص نسبت دهد. اکنون باید دید که، در میان قلمرو تراضی که بعضی خطرها را به بعضی فعالیت‌ها نسبت می‌دهد، کدام یک از دلایل به اثبات مسؤولیت محض اختصاص یافته و آن را همچون نظریه‌ای کلی پرورده است؟ در پاسخ این پرسش

^۱ Strict Liability

^۲ Jurkanin, 2007, P 77

^۳ Law Of Tort

^۴ Law Of Torts

^۵ Strict Accountability

۶. کاتوزیان، اصول جبران خسارت، ۱۳۷۷، ص ۸۹

^۷ Consensus

اساسی، گفته شده است که منافع ناشی از رفتار زیانبار نوعی استفاده ناروا است؛ مگر اینکه مرتکب در برابر نفعی که می‌برد خساراتی را که سبب شده است جبران کند. ولی، باید دانست که اصل مسئولیت محض گسترده‌تر از نظریه "استفاده ناروا" در کامن‌لا است و این نخستین واکنش در برابر نظر ابراز شده است؛ بر مبنای اصل مسئولیت محض، هزینه‌های رفتار یا هزینه جبران ضررهای ایجاد شده، باید به وسیله مرتکب تحمل شود، هر چند که او نیز به نوبه خود بتواند آنچه را پرداخته است از منتفع آن رفتار بخواهد. در نتیجه، سرانجام هزینه‌های رفتار را کسی می‌پردازد که تمام سود یا سهمی از منافع را برده است. در موردی هم که نفع رفتار عاید چند تن شده است، هر کدام از منتفعان به نسبت سهمی که از سود برده است از زیان نیز تحمل می‌کند.

اختصاص نظریه پرداخت استفاده ناروا، جبران خسارت‌های وارده شده را وابسته به احساس انصاف می‌کند. همچنین، مسأله هزینه اجتماعی محاسبه شده و کارایی اقتصادی را مطرح می‌سازد. ولی، در نظریه مسئولیت محض چنین فرض شده است که مرتکب هزینه جبران ضررهای وارد شده را در بهای محصول خود منظور می‌کند. آنگاه، اگر فعالیت مورد نظر از لحاظ اجتماعی مفید باشد (یعنی فواید آن از هزینه‌هایش بیشتر باشد)، در بازار داد و ستد باقی می‌ماند، حتی اگر به دلیل هزینه‌های جبران خسارت بهای بالاتری پیدا کند؛ و اگر این بهای اضافی بیش از قیمت بازار باشد، معلوم می‌شود آن رفتار یا فعالیت از نظر اجتماعی مفید نیست و باید ترک شود. بنابراین، نظریه مسئولیت محض، برای تمهید وسایل پرداخت خسارت سزاوار، از بین بردن رفتار ضد اجتماعی، و کمک به جامعه برای انتخاب آگاهانه رفتار دلخواه از نامطلوب، به کار می‌رود.

■ به عنوان یکی از نمونه‌های اجرای این اصل، موضوع حفر معدنی را در نظر می‌گیریم که در نهایت احتیاط انجام می‌شود و با وجود این به ملک مجاور یا اشخاصی که در آن هستند زیان می‌رساند. همچنین، فرض می‌کنیم که، با وجود محاسبه و منظور داشتن هزینه‌های جبران خسارت، باز هم این اقدام از نظر اجتماعی مفید است و منافع

۱ Unjust Enrichment

۲ Charles, 2012, P 131

آن بر هزینه‌هایش می‌چربد. در این فرض، اصل تقصیر، خسارات ناشی از آن را جبران نمی‌کند، ولی اصل مسئولیت محض جبران آن را لازم می‌داند. در موردی که حفر زیرزمینی معدن ادامه می‌یابد و به زیر ملک همسایگان می‌رسد، اضرار عمدی است؛ ولی، حتی در این مورد نیز موضوع در قلمرو اصل تقصیر قرار نمی‌گیرد، زیرا با وجود حفر احتیاط آمیز و همراه با مواظبت، فایده محصول آن بیش از هزینه‌ها است. این نمونه از مواردی است که خسارت عمدی با اجرای اصل تقصیر توجیه‌پذیر است، ولی در اصل مسئولیت محض، با این که فعالیت ممنوع نمی‌شود، خسارت نیز جبران می‌گردد.

▪ برای داشتن نمودار دیگری از اجرای این اصل، دعوی خسارتی را در نظر می‌گیریم که نه عمدی است و نه ناشی از تقصیر؛ به عنوان مثال، حمل با احتیاط بنزین به وسیله تانکر در بزرگراه عمومی، از نظر اجتماعی اقدامی مطلوب است و در زمره تقصیرها محسوب نمی‌شود. با وجود این، بعضی از دادگاه‌های آمریکایی نظر داده‌اند و انتظار می‌رود دیگران نیز تأیید کنند- که حمل بنزین در جاده‌های عمومی فعالیت خطرناک نامتعارف است و مشمول عنوان "مسئولیت محض" قرار می‌گیرد و حمل کننده را مسئول جبران خسارت ناشی از این محموله می‌سازد. خسارت‌های ناشی از تصادم بی تقصیر تانکر با وسیله نقلیه دیگر نبایستی تابع این خطر ویژه و نامتعارف باشد و بر مبنای "مسئولیت محض" قابل جبران تلقی شود، زیرا که، بنا به فرض، رفتاری که سبب تصادم شده است آمیخته با خطا نیست و، به همین دلیل، خسارات باید جبران نشده باقی بماند. تنها خسارت ناشی از انفجار در قلمرو اصل مسئولیت محض قرار می‌گیرد، زیرا خطر ویژه‌ای است که حمل بنزین ایجاد کرده است؛ در حالی که خطر تصادم ویژه حمل مواد انفجاری نیست و خطر عام رانندگی است.

▪ بیمه اجباری اتومبیل برای خسارت ناشی از تصادم بی تقصیر آن، سومین زمینه و قلمرو برای اجرای اصل مسئولیت محض است. بیمه اتومبیل از جهتی مبنای نتایج مقرر به وسیله این سیستم نیز قرار می‌گیرد. با اینکه رانندگی با احتیاط وسیله نقلیه موتوری از نظر اجتماعی اقدامی مفید است و به همین دلیل قابل نکوهش نیست، باعث ایجاد خسارت می‌شود. قوانین بیمه اجباری اتومبیل^۱ مسئولیت خسارات را بر هر

۱ Compulsory No- Fault Automobile Insurance Statutes

دارنده‌ای، قطع نظر از هر خطایی، تحمیل می‌کند تا او را شریک در جبران خسارت‌هایی سازد که به قربانیان رانندگی وارد می‌شود. غالب قوانین آمریکایی راجع به مسئولیت بی‌تقصیر دارنده، در صورت تقصیر طرف، تنها معافیت بخش از مسئولیت را مقرر می‌دارد نه تمام آن را و، بدین ترتیب، از جهتی بر پایه اصل تقصیر و از جهتی دیگر بر پایه مسئولیت محض قرار گرفته است. ولی، با وجود این اختلاط، بخش مربوط به مسئولیت محض آن روشن است، زیرا حتی دارنده‌ای که هیچ تقصیری نکرده است، باید اقدام به بیمه وسیله نقلیه کند و بدین وسیله در جبران خسارت شرکت جوید.

۲۸۵

اعمال "اصل مسئولیت محض" ممکن است با مبانی گوناگون در نظریه‌های حقوقی بیاید. در سه نموداری که گفته شد، نویسندگان حقوقی آمریکایی نخستین آن‌ها (خسارت ناشی از حفر معدن) را زیر عنوان تجاوز به حق و مزاحمت در انتفاع و غضب^۱ و نمونه دوم (خطر انفجار ناشی از حمل بنزین با کامیون) را زیر عنوان "مسئولیت محض" و به دلیل خطر نامتعارف این فعالیت‌ها، نمونه سوم را با عنوان "مسئولیت قانونی بی‌تقصیر" مطالعه کرده‌اند. مسئولیت ناشی از تولید محصولات یا فرآورده‌ها نمودار چهارم است که، علیرغم تفاوت‌های نظری، با مسئولیت محض توجیه می‌شود.

گوناگونی شیوه اجرای "اصل مسئولیت محض" حتی از اصل تقصیر نیز به احتمال فراتر رفته است. همچنین، قلمرو اجرای آن در قرن بیستم گسترش یافته و رو به فزونی است. یکی از برجسته‌ترین مثال‌ها در حقوق آمریکا شیاع سریع مسئولیت محض نسبت به فرآورده‌ها در سالهای ۱۹۶۰-۱۹۷۰ است. به‌عنوان مثال، این نظریه درباره همه نوع نیروی موتوری و از جمله خودرو (اتومبیل)، درباره محصولات غذایی و داروها و در بعض موارد ساختمانی اجرا شده است. در مورد فرآورده‌ها، از آنجا که ممکن است خطر ناشی از عیب بعدی کالا یا اوضاع و احوال دیگری، مانند استعمال نامتعارف و دور از انتظار کالا یا مقرون شدن به فعالیت‌های زیانبار دیگر باشد، قلمرو مسئولیت محض محدود می‌شود؛ یعنی، در صورت اثبات چنین وقایعی، اصل مسئولیت محض با قطع رابطه علیت به میان مرتکب و خسارت از بین می‌رود. بی‌گمان، اعمال اصل "مسئولیت

۱ Law Of Nuisance

محض" در فرآورده‌ها و مسئولیت بدون تقصیر در اتومبیل یکسان نیست؛ یکی زاده رویه‌های قضایی است و قواعد جبران خسارت ناشی از مسئولیت مدنی درباره آن اجرا می‌شود و در مورد اتومبیل، مسئولیت محدودتری است که با مسئولیت ناشی از تقصیر مخلوط می‌شود و شامل خسارات معنوی و ناشی از درد و رنج نمی‌شود و محدود به خسارت مادی و بدنی است که با اجرای بیمه اجباری بین همه دارندگان توزیع می‌شود. با وجود این، شباهت اجرای اصل در هر دو انکارناپذیر است.

۲-۲-۳. اصل رفاه و خیر

در رابطه با اصل رفاه و خیر، مطابق با پرسشی را که در بحث از اصل مسئولیت مطرح شد و در فرضی که تقصیری در میان نیست-یعنی، در موردی که رفتاری از دید اجتماعی سودمندتر از زیان آن است و به همین دلیل و بر پایه نفع اجتماعی تشویق می‌شود- با وجود این، رفتار مورد نظر سبب ورود زیان به دیگران است، آیا بایستی خسارت جبران شود؟ و اگر چنین است چه کسی باید آن را جبران کند؟ اگر پاسخ این دو پرسش چنین باشد که خسارت باید پرداخته شود، ولی نه به وسیله مرتکب که کار مفید اجتماعی انجام می‌دهد، بلکه اجتماع باید با نمایندگی دولت خسارت را تحمل کند، فکر کلیدی این پاسخ در قلمرو اصل رفاه و خیر است. با وجود این، قلمرو اصل رفاه از جهتی گسترده‌تر از جهت دیگر محدودتر از پاسخ‌های آن دو پرسش است؛ یعنی می‌توان گفت گسترده‌تر است، زیرا در مورد بیماری و سایر بدبختی‌ها و خسارات اتفاقی هم اعمال می‌شود؛ و محدودتر است، از این جهت که بطور معمول هدف آن فراهم ساختن حداقلی از رفاه برای همه اعضای اجتماع است نه جبران کامل نیازهای آنان.

مشخصه دیگر اصل رفاه این است که خسارت اشخاص را بر عهده دولت می‌نهد، نه به خاطر اینکه قربانی حادثه خاص یا بیماری یا بدبختی دیگر شده‌اند، بلکه قطع نظر از سبب آن، به این دلیل که آنان نیازمندند. در موردی که اصل رفاه به تنهایی نظام جبران خسارت است، مسئولیت جبران ویژه اجتماع است نه فرد خاص یا وجود حقوقی دیگر در اجتماع. در این زمینه، محل تأمین غالب جبران خسارت‌ها دولت است و بخشی از مالیات‌های عمومی درآمدها اختصاص به آن می‌یابد. ولی، زمانی که مسئولیت جبران

خسارت به عهده قشر ویژه‌ای از اجتماع است که تأمین درآمد لازم برای آن را به عهده دارند، اصل مسئولیت شخصی اعمال می‌شود، اعم از اینکه اصل تقصیر مبنا قرار گیرد، یا مسئولیت محض. اصل مسئولیت شخصی، حتی در موردی هم که دولت مسئول است، بر طبق قواعد عمومی اجرا می‌شود و نباید آن را تابع "اصل رفاه و خیر" شمرد. بدین ترتیب، هر چه در اجرای اصل رفاه باید پرداخته شود، بر عهده دولت است، ولی از این امر نباید چنین نتیجه گرفت که تمام مسئولیت‌های دولت ناشی از اجرای اصل رفاه است، زیرا احتمال دارد مسئولیت شخصی دولت و تابع اصل تقصیر یا مسئولیت محض باشد.

در مجموع اینکه، هر یک از اصول کلیدی جبران خسارت در چهره مثبت خود قابل اجراء است؛ بدین معنی که، با جمع شدن شرایط آن خسارت جبران می‌شود. بنابراین، اصل تقصیر، در هر مورد که تقصیر واقع شود سبب مسئولیت مقصر می‌گردد و مهم‌ترین دلیل قانع کننده آن تکیه بر اعتقاد عمومی است که اجرای اصل را در چهره مثبت خود منصفانه می‌بیند. در حقوق آمریکا، در فاصله نیمه قرن نوزدهم تا نیمه قرن بیستم، اصل تقصیر به روشنی بر دو اصل مسئولیت محض و رفاه برتری و حکومت داشت و پایه اصلی نظم مربوط به جبران خسارت بود. در پایان این دوران صد ساله، گسترش دامنه شماری از مسئولیت‌های محض، نفوذ روز افزون این اصل را نوید می‌دارد. در نیمه نخست قرن بیستم، مبناي جبران خسارت کارگران از اصل تقصیر به اصل مسئولیت محض تغییر یافت. در سالهای بعد از ۱۹۵۰، تغییر اساسی دیگری نیز واقع شد و آن پذیرش نزدیک به اتفاق اصل جهانی مسئولیت محض در فرآورده‌های صنعتی و تجارتي است. اجرای اصل تقصیر در صدمه‌های ناشی از رانندگی در بزرگراه‌ها، با اجرای قانون مسئولیت بی تقصیر در پاره‌ای از ایالات بی فروغ و خنثی شد. هر چند که امروز چنین نیست، ولی به زودی زمانی فرا می‌رسد که بیشتر جبران خسارت‌ها از راه مسئولیت محض جبران می‌شود و این نظم بر اصل تقصیر حکومت می‌یابد!

۳-۲. نقش رویه قضایی آمریکا در تکوین مفهوم تقصیر

تا پیش از سده نوزدهم، مسئولیت فارغ از عنصر تقصیر بود، اما از اوایل قرن نوزدهم، به تدریج این تفکر در میان حقوق‌دانان رواج یافت که تحمل پاره‌ای از خسارات، لازمه زندگی اجتماعی بوده و بهره‌مندی از مزایای زندگی در جامعه، جبران‌کننده این گونه ضررهاست. از این رو، در این دوران، قانونگذاران و رویه قضایی آمریکا بر آن بود که در صورت بروز خسارت، زیان‌زننده مسئول جبران نخواهد بود. مگر این که ایراد ضرر ناشی از تقصیر مرتکب باشد. در ابتدا معیار درون ذاتی و کار قابل سرزنش به عنوان ضابطه تمیز تقصیر پذیرفته شد؛ لیکن، با استقرار صنایع، رفته‌رفته معیار درون ذاتی با ضابطه نوعی جایگزین گردید.^۱

با این حال، صنعتی شدن جامعه اگر چه کیفیت شرایط زندگی افراد را افزایش داد، اما انسان را در معرض تحمل انواع دیگری از خسارات قرار داد که تا پیش از آن سابقه نداشت؛ خساراتی که به طور مثال در روند تولید و مصرف کالاهای صنعتی، کارگران و مصرف‌کنندگان را متضرر می‌ساخت، اما اثبات تقصیر عاملین این قبیل خسارات برای قربانی به واسطه تخصصی و پیچیدگی صنایع امری دشوار و حتی محال می‌نمود. از این رو کارکرد عنصر تقصیر در نظام جبران خسارت به تدریج رنگ باخت و نظریه‌های مبتنی بر مسئولیت بدون تقصیر غالب گردیدند.

پذیرش مسئولیت محض موجب می‌شد اجتماع از مزایای فعالیت‌های اقتصادی صاحبان سرمایه بهره‌بردار و آن هنگام که به واسطه این فعالیت‌ها زیانی وارد آید، سرمایه‌دار به تنهایی مسئول جبران آن باشد. به همین جهت رویه قضایی درصدد یافتن مبنای نوینی برای مسئولیت برآمد. مبنایی که ضمن اخلاقی بودن و به‌خدمت گرفتن عنصر تقصیر، رفاه و منابع اجتماعی را نیز مد نظر داشته و اقتصادی باشد.^۲

از اوایل قرن بیستم، دادگاه‌ها به صورت ضمنی به بررسی میزان سود و زیان عمل زیانبار و برآورد مالی آن پرداختند. مطابق با این روش، دادرس میزان منافع احتمالی فعل منجر به بروز خسارت را با میزان خطر احتمالی که آن فعل متوجه جامعه می‌سازد،

^۱ Abraham, Kenneth S. The Forms and Functions of Tort Law, New York: Foundation Press. 2002, P 153.

^۲ ابدالی، پیشین، ص ۱۱۱

مقایسه کرده و در نهایت اگر میزان منافع اجتماعی را بیش از میزان ریسک احتمالی و هزینه‌های پیشگیری از وقوع ضرر تشخیص دهد، مرتکب را از مسئولیت مبرا دانسته و بار خسارت را به اجتماع تحمیل می‌نماید. همپا با پیشرفت‌های روزافزون در علم و صنعت و با در نظر گرفتن انبوه حوادث ناشی از این پیشرفت‌ها، رویه قضایی از اواسط دهه ۱۹۴۰ بار دیگر به عنصر تقصیر متمایل گردید و تلاش نمود تا با بهره‌گیری از تحلیل مبتنی بر سنجش منافع و هزینه‌ها، تعریف جدیدی از تقصیر ارائه دهد. مطالعه مبانی نظری مفهوم تقصیر از منظر سنجش منافع و هزینه‌ها حکایت از تفوق اندیشه تقصیر بر مسئولیت محض دارد و آراء صادره در آمریکا نیز نشان از تمایل رویه قضایی آمریکا به احیاء اندیشه تقصیر در نظام مسئولیت مدنی دارد!

بحث و نتیجه‌گیری

از بررسی‌های صورت گرفته در مورد مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا این نتایج حاصل شد:

منظور از مبانی مسئولیت مدنی دلایل حقوقی است که اجرای مسئولیت مدنی را توجیه می‌نماید، مسئولیت مدنی نیز یکی از اقسام مسئولیت حقوقی است که در اثر ورود خسارت در شرایطی که قرارداد و قانونی وجود نداشته باشد موضوعیت یافته و جهت جبران خسارت از مبانی و تئوری‌های حاکم در این روش استفاده می‌شود. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در حقوق ایران مسئولیت مدنی مبتنی بر استناد عرفی فعل زیانبار به شخص است. در صورتی که در حقوق آمریکا از مبنای تقصیر جهت انتساب مسئولیت مدنی استفاده شده است. از طرفی در حقوق آمریکا قائل به درجات مختلف تقصیر هستند و بر مبنای همین درجات تقصیر میزان مسئولیت و جبران خسارت شخص مقصر محاسبه و ارزیابی می‌شود در حالی که در حقوق ایران تقسیم تقصیر بر حسب شدت و ضعف درجه آن مبنایی ندارد بنابراین درجه تقصیر در میزان مسئولیت مؤثر نمی‌باشد. همچنین می‌توان گفت از آنجایی که حقوق آمریکا برگرفته از

۱. کاتوزیان، ناصر، اصول جبران خسارت در نظام حقوقی آمریکا، فصلنامه حقوق، دوره ۴۱، ۱۳۷۷، ص

یک نظام کامن‌لا می‌باشد در آن به‌وضعیت خاص هر پرونده جهت انتساب مسئولیت مدنی توجه بیشتری می‌گردد ولی در حقوق ایران با توجه به قانون موضوعه مبنای مسئولیت باید از نظر قانونی دارای توجیه باشد.

معیار تشخیص تقصیر در نظام حقوقی آمریکا معادل تقصیر در حقوق نوشته است؛ یعنی معیار تشخیص، معیار نوعی و عینی است. مطابق یافته‌های تحقیق، آراء صادره در آمریکا نیز نشان از تمایل رویه قضایی آمریکا به احیاء اندیشه تقصیر در نظام مسئولیت مدنی و عدم پذیرش مسئولیت محض دارد.

نظام حقوقی ایران به جبران خسارت و تشکیک در آن توجه چندانی نکرده است به عبارت دیگر مطلق ورود خسارت دلیلی بر جبران آن می‌باشد این در حالی است که در نظام حقوقی آمریکا جبران خسارت به‌عنوان پایه و مبنای مسئولیت مدنی به شمار می‌رود به طوری که اصول حاکم بر جبران خسارت در نظام حقوقی آمریکا نشان از آن دارد که در این کشور و نظام حقوقی اصل جبران کامل خسارت به‌عنوان یک مسأله مهم در حقوق قراردادی و غیرقراردادی مورد توجه قرار گرفته است.

منابع

- امیری قائم مقامی، عبدالمجید. (۱۳۸۵). *حقوق تعهدات*، جلد ۱، تهران: نشر میزان.
- باریکلو، علیرضا. (۱۳۸۷). *مسئولیت مدنی*، تهران: نشر میزان.
- بهرامی‌احمدی، حمید. (۱۳۸۵). *جزوه درس مسئولیت مدنی*، تهران: دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- پروسر، ویلیام. (۱۳۹۴). *عوامل مؤثر در مسئولیت مدنی*، ترجمه امیر خان سپهوند، دادسرای تهران. ۱۳۹۴/۱۲/۲۶.
- <http://ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=۸۳۶>
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۲). *ترمیم‌ولوژی حقوق*، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۳). *تاریخ حقوق ایران*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حسینی نژاد، حسینقلی. (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی*، تهران: انتشارات مجد.

حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۹۱). *مسئولیت مدنی در فقه امامیه (مبانی و ساختار)*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

دلیری، محمد صالح. (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی*، جلد ۳، تهران: نشر سمت.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۷). *لغتنامه*، جلد ۱۲، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

عباسلو، بختیار. (۱۳۹۰). *مسئولیت مدنی*، تهران: نشر میزان.

عمید، حسن. (۱۳۸۹). *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات جاویدان.

قاسم‌زاده، سیدمرتضی. (۱۳۹۵). *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران: نشر میزان.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). «عصر تجربه و حقوق تجربی/اصول جبران خسارت»، *مجله*

دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۴۱.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۵). *دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی: مسئولیت مدنی*،

تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). *حقوق مدنی: الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)*،

مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

لور راسا، میشل. (۱۳۷۵). *مسئولیت مدنی*، ترجمه محمد اشتری، چاپ اول، تهران: نشر

حقوق دان.

معین، محمد. (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی*، جلد سوم، تهران: نشر بهزاد.

معزی ملایری، شیخ اسماعیل. (۱۳۷۳). *جامع احادیث شیعیه فی احکام شریعه*، چاپ

اول، قم.

یزدانیان، علیرضا. (۱۳۸۹). *حقوق مدنی قلمرو مسئولیت مدنی*، تهران: نشر آیلا.

Bernstein Herbert. (1998). Civil Liability for Pure Economic Loss Under American Tort Law, THE AMERICAN JOURNAL OF COMPARATIVE LAW, Vol. 46, pp 111-132.

Burrows, A. (2004). remedies for torts and breach of contract, Oxford University Press, 3th edition.

Charles P. (2012). Nemeth, Civil Liability of Security Personnel, Private Security and the Law (Fourth Edition), pp 117-190.

Darrell L. Ross. (2013). Overview of Civil Liability, Civil Liability in Criminal Justice (Sixth Edition), pp 1-21.

Dobbs, Dan B. (1973). handbook on the law of Remedies, 2th edition.

- Eyoma, v.falco. (1991). superior court of Newjersey, appellate division, California code of civil procedure, para.
- Fleming, John G. (1988). the American tort process.
- Hedley Bryne & Co Ltd v Heller & Partners [1964] AC 465(HL); Caparo Industries plc v Dickman [1990] 1All ER 568 (HL); White v Jones. 1995.
- Kok, Raphael. (2008). the differing principles of assessment of damages in tort and contract.
- Larry K. Gaines Victor E. Kappeler, Civil Liability, Policing In America (Seventh Edition), 2011, pp 377-409.
- McGregor H. (2003). McGregor on Damages, 17th ed, London: Sweet & Maxwell.
- Moore Richter H. (1998). Civil Liability for Negligent and Inadequate Training: A Private Security Problem, Journal of Contemporary Criminal Justice, May 1, Volume: 4 issue: 2, page(s): 106-118.
- Thomas J. (2007). Critical Issues in Police Civil Liability, Law Enforcement Executive Forum, Illinois Law Enforcement Training and Standards Board Executive Institute, Western Illinois University, January.
- Vivieune Harpwoodd. (2003). Modern Tort Law, London.
- W.Prosser and Keeton. (1984). the law of torts, sindell v.Abott labratories, west publishing co, 15th edition.
- Waddams, S.M. (1983). The Law on Damages, Toronto: Canada Law Book Limited.